

عنوان مقاله:

آشنایی کودکان با مفهوم خداوند بر اساس قصه موسی و شبان و تطبیق آن با مراحل رشد شناختی پیاژه

محل انتشار:

اولین کنفرانس ملی پژوهش های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

مریم رستمی - کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی - مدیر مرکز سلامت روان ماهان

ولی عابدزاده - کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی - آموزش و پرورش سروآباد(کردستان

رزگار محمدی - دکتری تخصصی مشاوره خانواده - دانشگاه شهید چمران اهواز

خلاصه مقاله:

برجسته ترین ویژگی مثنوی معنوی جنبه تعلیمی و تربیتی آن است. قصه موسی و شبان در دفتر دوم مثنوی معنوی آیین تمام نمای شکل گیری مفهوم خداوند در کودکان است که قابل مقایسه با نظریه های روانشناسی رشد است. بر این اساس در این پژوهش هدف توصیح دادن نحوه تربیت دینی در شکل گیری مفهوم خداوند براساس قصه موسی و شبان در مثنوی معنوی و مقایسه با دیدگاه ه رشد شناختی ژان پیاژه است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده که ابتدا به شناسایی مفاهیم اساسی مرتبط با تربیت دینی در داستان موسی و شبان پرداخته، سپس ارتباط این مفاهیم را با یادگیری مفهوم خداوند در کودکان در یک چارچوب منطقی مورد بررسی و در مقایسه با نظریه رشد شناختی پیاژه به عنوان طرح اولیه ارایه شده است. بطور کلی اصولی که از این داستان برای آموزش مفاهیم دینی استنباط می شوند شامل این است که در آموزش مفاهیم دینی به کودکان باید با زبان خودشان با آن ها حرف زد و از به کار بردن نصیحت و سرزنش در مورد توصیفات کودکان از خداوند خودداری نمود. در آموزش مفاهیم دینی به احساسات و عواطف کودکان توجه نمود و به حنبه محبت آمیز دین و خداوند بیشتر توجه نمود. سعی شود مفاهیم مجرد را با استفاده از داستان و تمثیل برای کودکان عینی و ملموس نمود و در آموزش مفاهیم دینی به انتقال قلبی و باطن بیشتر از ظاهر توجه نمود. در نهایت با توجه به این قصه و نظریه رشد شناختی پیاژه نتیجه گیری می شود کودکان دارای مفهومی عینی و تجسمی از خداوند است و نحوه تربیت دینی کودک نیز باید با توجه به مراحل رشد شناختی وی صورت بگیرد.

کلمات کلیدی:

مفهوم خداوند، قصه موسی و شبان، رشد شناختی، پیاژه، مثنوی معنوی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/660111>

